

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهمیم از آن به که کشور به دشمن دهمیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: ش. حمید

بیست و چارم می 2013

اشعار برگزیده زنده یاد "حسیب مهمند"

(پنج)

نفرین

به مناسبت خروج قوای اشغالگر روسی از افغانستان و به جواب شعر عبدالله نائبی که سروده بود:

(تو میروی ستاره خوشه خوشه بر جبین)

بی مناسبت نخواهد بود که لطیفه ای را در مورد رفتن و آمدن برای تان بگویم، که چرا عبدالله نائبی با چنین سوز و گدازی از رفتن "قوای دوست" شکایت دارد؟ در روزهای آخر رمضان در کشور ما معمول است که عده ای در مساجد الوداع گویان با ماه رمضان خداحافظی میکنند.

در بین کسانی که با رمضان الوداع میگفتند، یک نفر از دیگران زیادتیر بیتابی میکرد، اما کسانی هم در مسجد بودند که ماه رمضان حوصله شان را سر برده بود و برای عید لحظه شماری میکردند. عید گذشت و سال دیگر باز رمضان فرا رسید، فردی از آن جمع که رمضان حوصله شان را به سر آورده بود، خانه کسی را که بیتابی میکرد و با گریه پرسوز الوداع میگفت، دق الباب (تق تق) کرد و گفت:

شوهر خانم که پارسال رفته بود دوباره آمد، چشم تان روش!!!

اما درد عبدالله نائبی این جاست که شوهر خانم چنان شکست فزاینده‌ای خورده که دیگر هیچگاه بر نمیگردد و بیچاره از ته دل فریاد میزند که (تومپرو تومپرو و طفلکان تو یتیم) و از روی زمانه میگوید:

"تو مپرو ستاره خوشه خوشه بر جبین"

ش. حمید

به مناسبت خروج قوای اشغالگر روسی از افغانستان و بجواب شعر عبدالله نائبی که سروده بود:

"تو مپرو ستاره خوشه خوشه بر جبین"

نفرین

به روی زخمهای تیرخورده دلم
به پاره های ریش ریش سینه ام
به شاخه های غم گرفته تنم
شگوفه های زخم دیگری جوانه میزند
و بر نگین شیشه دو چشم پُر ز حسرت
تیر لحظه های تلخ زندگی نشانه میشود
تو مپرو و بر جبین تانک تو
خون پاکمردمان میهنم
نقش بسته است
هنوز تازه است و بوی خون تازه میدهد
مرا به مرز لحظه های انتقام میبرد
تو مپرو
و پای تانک تو
در گلوئ کودکان میهنم
صدای نبض زندگی پُر ز شور را
به گود نیستی کشانده است

تومیروی

و بر حریر سبزه ها و سنگ سنگ میهنم
بر خرابه های شهر و روستای کشورم
واژه پلشت نام تو
با شرنگ واژه های ننگ و نفرت و بلا
سرشته گشته است

تومیروی و ای دریغ
به طوق گردن گناه کرده ات
به جای حلقه و طناب دار
به دست های دلکان پست
حلقه های گل کشیده میشود

تومیروی

ولی بدان بدان
زیاد ما نمیرود
ز گور سرخ هر شهید رفته سوی شاهراه مرگ
و از زبان مادران داغدار و سوگوار این وطن
به نام پُر ز کین تو
صدای ننگ و نفرت مدام
شنیده میشود
به وادی غمین سینه ها
شگوفه های خشم ما جوانه میزنند!!!!

(زندان پل چرخي - 1366)